

مراسم عروسی در فارس

ابوالقاسم فقیری

انتشارات نوید شیراز



سرشناسه	: فقیری، ابوالقاسم، ۱۳۱۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: مراسم عروسی در فارس / ابوالقاسم فقیری.
مشخصات نشر	: شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۴۴۸ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۱۵۲-۰
وضعیت	: فیبا
زبان	: عروسی -- ایران -- فارس -- آداب و رسوم
رده‌بندی کنگ	: ۱۳۹۰ ق ۷ الف / ۱۷۵۳ GT
رده‌بندی دی	: ۵۰۹۵۵۶۳/۳۹۲
شماره کتابسناسی	: ۲۵۶۹۵۲۷



مراسم عروسی در فارس

مؤلف: ابوالقاسم فقیری

نقاشی روی جلد: افسانه فقیری □ اجرای جلد: سعید فقیری
 حروفچینی: ندا گزینی □ لیتوگرافی: آرش □ چاپ و تصفیه
 چاپ اول: ۱۳۹۳ □ حق چاپ محفوظ □ تیراژ: ۱۵۰۰ ج

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز - تلفن ۶۲-۲۲۶۶۶۱-۲۲۲۹۶۷۶ نمایر □ ص.پ. ۶۶۶-۷۱

دفتر تهران - تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰-۸۸۹۲۱۵۲۲ نمایر □ ص.پ. ۲۱-۰

پست الکترونیک: info@navideshiraz.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۱۵۲-۰ ISBN: 978-600-192-152-0

۱۶۵۰۰ تومان

فهرست

عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	۵
عروسی در استهبان.....	۱۳
عروسی در ارسنجان.....	۴۳
عروسی در اقلید.....	۷۵
عروسی در ایزدخواست آباده.....	۹۷
عروسی در آباده.....	۱۰۷
عروسی در ایل باصری.....	۱۳۱
عروسی در بندر لنگه.....	۱۴۵
عروسی در جهرم.....	۱۵۱
عروسی در روستای چاه شرف لارستان.....	۱۶۱
عروسی در دهکویه لارستان.....	۱۶۵
عروسی در دوان.....	۱۷۱
عروسی در رونیز علیا.....	۱۸۹
عروسی در سروستان.....	۲۰۱
عروسی در سیف آباد سروستان.....	۲۲۷

۲۳۵	عروسی در شیراز
۲۵۳	عروسی در علاءمرودشت
۲۵۹	عروسی در فیروزآباد
۲۶۷	عروسی در فیض آباد سورمق آباده
۲۷۳	عروسی در منطقه فامور
۲۸۵	عروسی در رستای فامور
۲۹۱	عروسی در بابکان فیروزآباد
۲۹۷	عروسی در عرب سا
۳۰۳	عروسی در سبویه
۳۰۹	عروسی در ایل قشایی
۳۳۷	عروسی در کازرون
۳۴۹	عروسی در کوهنجان
۳۵۷	عروسی در کنار تخته
۳۶۱	عروسی در گرگنای کازرون
۳۷۱	عروسی در لارستان کهن
۳۷۹	عروسی در لامرد لارستان
۴۰۱	عروسی در ممسنی
۴۱۹	عروسی در نی ریز
۴۲۵	هر که شاده، شاد بشه
۴۳۳	خون بس
۴۴۱	قصه‌ی رمضون علی جون
۴۴۵	عروسی جابجا و خبر نابجا

پیشگفتار

ازدواج شیرین ترین رویداد زندگی است که خاطراتش تا واپسین لحظات زندگی در سینه بر نمی دارد.

نخستین ازدواج ملاوتی و زه دارد که اگر دیگر بار تکرار گردد آن شکوه سابق را نخواهد داشت.

با ازدواج آدمی رو به کمال می رود. زمانی که نیمه گم شده ات را یافتی شخصیتی کامل به خود خواهی یافت. در صاف با حوادث تلخ و شیرین زندگی با دستی گشاده و آگاهی بس پیش خواهی کرد.

زندگی برایت معنا پیدا خواهد کرد. آینده نگ خواهی بود. چشم‌ها را به روی زندگی باز کرده، پیش از آنکه تنها تماشاگر زندگی باشی به زندگی با دقت می‌نگری.

ازدواج را همه ادیان حمایت کرده‌اند و آن را قسمت دین و خیر و رحمت و چشم گیر زندگی دانسته‌اند.

حضرت پیامبر اسلام «ص» می‌فرمایند:

ازدواج سنت من است هر کسی با این سنت نیست از من نیست.

در پیشگاه خداوند متاهلین ارزش و قرب بیشتری دارند تا مجردین. کام نخستین را که به جانب برپایی هسته اولیه زندگی برداری، آفریدگار مهربان سبب ساز شده، حرکت تو را به سوی زندگی رونق می‌بخشد. مردم کوچک و بازار باور دارند که خداوند هزینه خرید خانه و ازدواج را می‌رساند. نظر خدا

که همراهت باشد مشکلات یکی بعد از دیگری از سر راه برداشته می‌شوند. در این زمینه می‌گویند: در هر کاری نظرت به خداوند باشد.

آرزوی سنتی هر پدر و مادری است که روزی آستین‌ها را بالا زده و در حد توانائیشان دختر و پسرشان را به خانه بخت بفرستند. پدر و مادر بر عملی شدن این وایه «آرزو» اصرار دارند.

اگر پدر و مادری این چنین نکردند مشکل کار را بایستی در مکان دیگری یافت و گرنه هر پدر و مادری باتمام قلب می‌خواهند در عروسی جگرگوشگان خود سهیل تمام بگذارند و مراسم را سنگین و رنگین برگزار کنند.

پسردواج‌پسندیده و مورد تایید جامعه است. به همین خاطر ازدواج را امری خیر می‌انند و شنیدم کار خیری پیش داری»

فارسی‌ها به ویژه شیانی‌ها عروسی بی سر و صدا را نمی‌پسندند: عروسان را به سومر حاکم‌الانتوان برد بی سازی «طغرا- امثال موزون» عروسی هست و سر و شیش، ایلها و شادیش. یاد این شادی است که می‌ماند. از این رو سعی دارند مراسم عروسی را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنند. برای برخورداری از این وضعیت است به دامان شادی آفرینان می‌شوند:

اینان را در روستاها ساز و نقاره چی- مهت- Lechi- کولی و ... می‌نامند و در شهرها آن‌ها را لوطی و مطرب می‌خوانند.

در مراسم عروسی روستائیان و عشایر نوازندگان بی‌ساز و نقاره می‌زنند. این گونه نوازندگان که استاد خوانده می‌شوند با احتفال عروسی‌ها آورده می‌شوند. رسم است کیلومتری مانده به «عروسی خانه» نوازندگان نواختن ساز و نقاره را شروع می‌کنند. به مجرد اینکه صدای ساز و نقاره به گوش مردم رسید کار را رها کرده به پیشواز آن‌ها رفته و آن‌ها را وارد محل می‌کنند در شهرها لوطی‌ها و مطرب‌ها به مردم شادی می‌بخشند.

در شیراز در گذشته به مطرب می‌گفتند «قوال». اینان به شکل‌های مختلفی بودند یک دسته تمام‌نیم دسته و دسته کوچک‌تر که منحصر می‌شد به یک تارزن و ضرب‌گیر.

مردم زمانی که در می‌یافتند در فلان محل عروسی است همگی خوشحال می‌شدند خانه‌ها در گذشته اکثراً یک طبقه بود. مردم بام به بام می‌آمدند تا به محل عروسی می‌رسیدند این گروه را سیلانی Seylani «تماشاچی» می‌گفتند. سرپرست قوال‌ها هوای آن‌ها را داشت و در همان ابتدای برنامه بلند اعلام می‌کرد به افشار سیلانی‌ها به دست مرتب بزنید که صدای دست زدن همراه با شانه و شاک ŠARTAK «سوت زدن» از جمعیت بلند می‌شد. بعد از آن سرپرست به می‌گفت حالا به افتخار شازده دوما و خانم عروس هم به دست مرتب بزنید.

و در مرتبه سوم بود که می‌گفت حالا به افتخار خودتان به دست مرتب بزنید. صبح عروسی نوبت به لوطی‌ها می‌رسید معلوم نبود چه کسی خبرشان می‌کرد می‌آمدند و شادی را به همه‌ها می‌آوردند. در بدو ورود به خانه در حالی که روی تنبکشان می‌زدند می‌گفتند: ایشا الله مبارک باشد.

هر چه دست کرم صاحب خانه بود می‌گرفتند و شکر می‌کردند.

مردم کمک به لوطی‌ها را خوش یمن می‌دانستند و بچه‌ها طرفدار لوطی‌ها بودند مخصوصاً آن‌هایی که پهلوان کچلک و جی جی به نام اجرا می‌کردند. در نمایش‌های تخته حوضی شخصیت کلیدی گروه «سیاه» بود.

سیاه را که نامش «مبارک» یا «یاقوت» بود همه دوست می‌داشتند. از وضع موجود انتقاد می‌کرد و خواسته‌های در دل مانده مردم را فریاد می‌کرد. ضمن مدعوین را با خوشمزگی‌هایش می‌خنداند. یدی سیاه «یداله» در شیراز بهترین بود سیاه را حاجی - زنش و دخترش همراهی می‌کردند.

در شاه بازی از حاجی و زنش خبری نبود. در هر نمایش عده‌ای زن پوش بودند که رقاصه‌ها هم جزو زن پوش‌ها بودند.

هر دسته یک صندوق کش داشت. صندوق کش کسی بود که صندوقی را که وسایل اولیه نمایش در آن بود روی کول گذاشته و کوچه پس کوچه‌های شیراز را پشت سر می‌گذاشت تا به محل عروسی می‌رسید. این صندوق کش‌ها بعضی داستانی دارند که در فرصتی آن‌ها را هم خواهم نوشت.

محل مطرب‌ها تکیه نواب و محله کلیمی‌ها بود. هر دسته مغازه‌ای داشتند که دابلو به شادمانی بالایش به چشم می‌خورد. دسته‌های عروسی که من می‌شناختم:

دسته صد رزاق - دسته اصغر ماتیکی - دسته جوانمردی - دسته سید محمود - دسته بی‌ط‌ها - دسته داوود خماری - دسته رحیم قانونی - دسته جلال و سرچهره - دسته شکرشیرازی - دسته ریگک - دسته داوود کته - دسته جلال قانونی - اکثر کلاسی بودند.

لوطی‌های معروف: لطیف، منار می‌نواخت - لوطی باشی که در اجرای پهلوان کچل و جی جی بی جی مهارت داشت.

اشعاری در عروسی‌ها خوانده می‌شد. هزارم خوانده می‌شود که بدان واسونک Vasunak می‌گویند. واسونک را بیشتر بهایی خوانند و اکثر آن‌ها به صورت تک بیت دیده می‌شود.

به واسونک، بیت، سرو Soru - سرود - سیری - سوری Sori - واسینک - ساروک - واسنی VASENY و شعر عروسی هم می‌گویند. برای انجام عقد و عروسی در فارس حتماً ساعت خوب می‌نهند. سواً زمانی را برای انجام عروسی در نظر می‌گیرند که قمر در عقرب نباشد.

مردم این روزها را خوب می‌دانند: دوشنبه - چهارشنبه - پنج شنبه و تمام اعیاد مذهبی و ملی این باور به گذشته‌های دور می‌رسد در زمان خواجه شیراز هم این عقیده بین مردم رایج بوده است.

«اشاره به باور قرآن سیارات و دخالت آنان در سرنوشت انسان و تعیین ساعت سعد برای ازدواج».

گفتم که خواجه کی به سر حجله می‌رود؟

گفت: آن زمان که مشتری و مه قران کنند

فصل مه پژوهشی نجوای فرهنگ شماره یازدهم بهار ۸۸»

آنکه در این کتاب می‌خوانید مراسم عروسی در گوشه و کنار فارس در

گذشته است. امروزه روز مراسم عوض شده است.

تنها می‌توان این مراسم را در عشایر و روستاها دید که همچنان آئین‌های

گذشته را باور دارند. سخت به انجام آن‌ها اصرار دارند.

ولی در شهرها بویژه در شیراز از مراسم پرشکوه گذشته خبری نیست

دختر در دفترخانه‌ای عقد می‌شود. در رستورانی جشن گرفته می‌شود شامی

می‌خورند و راهی خانه‌هایشان می‌شوند.

شاید بفروماید مراسم ساده‌تر شده و داماد هزینه کمتری می‌پردازد و از

مشکلات گذشته خبری نیست و ...

ولی امروزه پول داماد صرف هزینه‌ها می‌شود که فکرش را هم

نمی‌توانید بکنید. به گوشه‌ای از این مخارج عنایت فرمایید.

هزینه: عکاسی - فیلمبرداری - تزئین ماشین عروس - برای ماشین

عروس - آرایشگاه - لباس عروس - کارت ویژه عروسی - پرداخت انعام - کسک

عروسی - هزینه رستوران و ... که مجموعه آن رقمی را فراهم می‌کنند که

برای هر جوانی کمرشکن خواهد بود. در این بین اگر پدر داماد هم دست

تنگ باشد مشکل جوان همچنان صد چندان خواهد شد.

پس عملاً می‌بینیم که کار را مشکل‌تر کرده و از فرهنگ ملی خویش هم

به دور مانده‌ایم.

در پایین این مختصر از همه کسانی که از سر مهربانی به کارهای اینجانب

در زمینه «فرهنگ مردم فارس» می‌نگرند سپاسگزاری می‌کنم.

دست این عزیزان را هم که از پژوهش هایشان سود برده‌ام می‌بوسم.

آقایان و خانمها:

محمدرضا آل ابراهیم - حبیب رحیمی - سهیلا هاشمی - دکتر سیدمهدی
خیراندیش - حسن رنجبر - دکتر جمشید صداقت کیش - غلامرضا توکلی -
ایرج قزلی - زهرا عباسی - سلیمان بازدار - دکتر عبدالعلی لهسایی زاده -
دکتر علی اصغر کمالدار - استاد صادق همایونی - خدایار
حمید - عباس پرداخته - حاج عبدالمجید رزازان - اسدآقا هاشمی - دکتر
جهاد خاکی - غلام رئیسی - ساسان بهاونی - اسماعیل پور - دکتر
منوچهر - دیاد محمد مهدی مظلوم زاده - محمد قلی کشاورز -
یداله فیضی - رده پور - ابراهیم ابونصری - دکتر سعید محمودیان - جواد
عسگری چاوردی - حبیب فیضانی - محمد علی پیش آهنگ - محبوبه
جوادپور نویندگانی - سید

کتاب را پیشکش می‌کنم - داریوش ریذگوئی ناشر برتر، یار، همراه و
توی جان‌رَس اهالی فرهنگ فارس.

هم‌چنین از آقای اسماعیل حامدی، مدیر ناشر و مدیر داخلی انتشارات
نوید که صمیمانه یاری‌ام کرده‌اند سپاسگزارم.

هوای این گله جا «شیراز» را در هر شرایطی مستقیم باشد
بمانید و سرسبز باشید.

شیراز - ابوالحسن فقیری